

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Iran's M.

afgazad@gmail.com

آئینه ایران

بهروز سورن
۱۶ اکتوبر ۲۰۲۲

عدالتجویی یا انتقامجویی؟



اشکی برای چشمهای خشک شده نمانده است.

به هر نقطه این کشور که نگاه کنیم مملو از مردمی است که داغدارند. داغ عزیزانشان را دارند که توسط جنایتکاران حاکم به فجیعترین شکلی کشته شده اند. شهری نمانده که از تعرض و سرکوب قهرآمیز و خونین حاکمان در امان مانده باشد. ردپای خونین سپاه، بسیج، لباس شخصی ها و سایر نهادهای انتظامی و ضدشورش همه جا هست. امروز که خیزش های اجتماعی اوج می گیرد این سوال همچنان باقی است که آیا به روزهای انتقام همه فکر می کنند؟ آیا کردستان قهرمان که چهل و اندی سال فقط سرکوب شده است در برابر گفتمان انتقام فرزندانش قرار گرفته است؟ آیا زاهدان خونین که امروز تظاهرات گسترده ای را در اعتراض به کشتار بیش از صدتن از معترضان بی سلاح را تجربه کرده است به سادگی نیروهای مسلح رژیم را در این شهر می بخشد و فراموش می کند؟ آیا خوزستان بیدار خاطرات تلخ آبان ۹۸ را به فراموشی سپرده است؟ تهران و کرج و سنج و سقز، مریوان و بانه و دهگلان، مشهد و شیراز و اصفهان، کرمانشاه و شاهین شهر و بابل و آمل، لاهیجان و رشت چطور؟ نیشابوری که امروز جوانانش مجسمه جلاد خون آشام خمینی را پائین کشیدند، یزد و چاه بهار و بوشهر، اهواز و آبادان و ممسنی، کازرون و اردبیلی که دیروز به مدرسه شاهدش لباس شخصی ها حمله کردند و دانش آموزی را کشتند و پر تعداد دیگری را زخمی کردند؟ شهرضا و نجف آباد، ارومیه و قم و دهها شهر دیگر از این نظام زخمهائی بسیار و التیام نیافته دارند که با هر گام پیشروی این قیام سراسری در برابر این سوال قرار میگیرند که چگونه میتوان عدالت را برای قربانیان جمهوری اسلامی فراخواند؟

با گذشت روزهای قیام نیروهای سرکوب به جنایات دهشتناک جدیدی می پردازند از جمله حمله به مدارس و حتی دبستان، کشتن جوانان و نوجوانان، شلیک مستقیم به تظاهرکنندگان و تعرض به زنان که برآیند آنها افزودن بر خشم مردم است و بدلائل بسیار در شرایط انقلابی و زمانی که مردم حاضر در صحنه به تجربه در می یابند که دشمن تا بدندان مسلح است و از هیچ جنایتی در برابر اعتراضات مسالمت جویانه آنها دریغ نمیکند، در پروسه و تداوم این اعتراضات به ضرورت مقابله با آنان میرسند. ایستادن در برابر سرکوبگران حتی مسلحانه از حقوق شناخته شده آنان است.

در چنین شرایطی مرز میان عدالتجویی و انتقامجویی چنان مه آلود میشود که پیشگیری های تبلیغاتی هر چند تنومند نیز نمیتواند راستای حقوقی آنرا تعیین کند. چنانچه این حضور سراسری مردمی در خیابانها تداوم یابد و اگر نیروهای سرکوب رژیم کماکان به جنایاتشان ادامه دهند قطعا این خیزش همگانی به فاز مقاومت مسلحانه وارد خواهد شد و گفتمان انتقامجویی موضوع روز خواهد شد، خارج از تمایل و اراده تمامی مدافعان حقوق بشر و خشونت پرهیزی که بدرستی بر محاکمه عادلانه آنان تاکید دارند.

دستیابی اکثریت مطلق مردم به تحولی بنیادین در کشوری که سرمایه داری هار با حکومتی مذهبی حکمرانی میکند با روشهای مسالمت آمیز از ممکنات نیست هم از اینرو و با داده های کنونی میتوان گفت که روند وقایع جاری بسوی فاز جدید مقاومت مسلحانه در حرکت است. این روند را سرکوب وحشیانه و کور جمهوری اسلامی به مخالفانش تحمیل میکند و صد البته میتوان با ورود به این فاز شاهد شکافهای متعددی در میان حکومتیان و نیروهای سرکوبش بود. نیروهایی که آرایش آنها بر اساس اشکالی سنتی است و در برابر نسل جوانی که آموزش های دیجیتالی را در خود نهاده کرده است یارای ایستادگی ندارند.

تردیدی نیست که حاکمیت استبداد و خشونت زای دو نظام در صد ساله گذشته فضائی مناسب برای راهکارهای برقراری عدالت ایجاد نکرده است و قطعا در فاز جدید مواجهه با نیروهای سرکوب رژیم ابعاد تازه ای خواهد داشت. با پیوستن رانندگان کامیون ها به اعتصاب ها میتوان عجز و ناتوانی روزافزون جمهوری اسلامی را در آینده نزدیک مشاهده کرد.

اعتصاب نفتگران و کامیونداران در بنادر کشور قرار دادن پا بر گردن حوزه های اقتصادی استبداد است. چنانچه این اقدامات ادامه یابد بزودی حاکمان از پرداخت حقوق و مزایای مزدوران خود باز می ماند و شکافهای متنوعی را در نیروهای سرکوب و مکانیسم های دیگر حکومتی آنها شاهد خواهیم بود. آنوقت نه علی خامنه ای و نه دیگر مزدورانش نمیتوانند از خیزشی مردمی و سراسری بی همتا در تاریخ حکومتشان، بعنوان حادثه ای جزئی و ناشی از بازی های کامپیوتری نام ببرند و این اعتراف و عقب نشینی پایان دوران سیاه حکومت شان خواهد بود.

حقیقت این است که با تداوم خیزش ها و تظاهرات خیابانی ناتوانی دستگاه سرکوب رژیم بیشتر عیان شده است و از سوی دیگر شاهدیم که جوانان با هشیاری کامل به ارائه فراخوانها و سازماندهی مبارزات خود در صحنه پرداخته و در این زمینه بسیار موفقیت آمیز عمل می کنند. اتحاد و همبستگی نیروهای فکری دخیل بسیار برجسته و موفق بوده است. بر همه ماست که بدون تلاش برای ایجاد چنددستگی و شکاف در درون آنها از آنها پشتیبانی کنیم.

۲۰۲۲/۱۰/۱۵